فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت
Journal of New Research Approaches in Management Science
سال دوم. شماره چهاردهم. پاییز ۱۳۹۸، صص۱۲-۱ Vol 2. No 14. 2019, p 1-12
شماره شاپا (۲۵۸۸-۵۵۶۱) ISSN: (2588-5561)

واکاوی نقش برنامه‌ریزی استراتژیک در جهت ارتقا کیفیت نظام آموزشی

سعید ناصری[۱]. اکبر ناصری[۲]
۱. دکتری مدیریت آموزشی
۲. دکتری حقوق محیط زیست

چکیده

برنامه ریزی استراتژیک به منظور تحقق اهداف و مقاصد آموزشی تدوین شده و شامل یک تصویر جامع از وضعیت سازمان است. طرح استراتژیک با توجه به جهت گیری خاصی تدوین نمی‌شود بلکه نوع، میزان و جهت حرکت موجود و مطلوب سازمان را معین می‌کند در واقع برنامه‌ریزی آموزشی یکی از مهم ترین نظام‌های برنامه ریزی درهرکشور است. برداشتی است منطقی و عملی برای حل مسایل آموزشی. در سال‌های اخیر برنامه ریزی استراتژیک در نظام های آموزشی کشورهای مختلف به عنوان ره یافتی موفق شناخته شده است. نقش برنامه ریزی آموزشی در توسعه، سطوح و الگوهای گوناگون آن از مهم ترین مواردی است که باید طراحان و برنامه ریزان آموزشی مورد توجه قرار دهند. برنامه‌ریزی آموزشی به مفهوم جدید آن شاخه ای از علوم تربیتی است که نزدیک به یک قرن از عمر آن می‌گذرد. این دانش جدید در خلال چند دهه اخیر کاربردی گسترده در آموزش و پرورش کشورها یافته است؛ به طوری که امروزه جزء لاینفک مدیریت آموزشی و پرورش رسمی تلقی می‌شود. وبا ارتقای کمیت و کیفیت برنامه‌های آموزشی مطابق با نیازهای جامعه با نهادینه کردن اهمیت برنامه های درسی در توانمندسازی و بالندگی دانش آموختگان که بتوانند خدمات سلامت را با بالاترین کیفیت به جامعه ارائه نمایند

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی استراتژیک، اهداف آموزشی، تربیت، توانمندی دانش آموزان، آموزش و پرورش

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

مقدمه:

آموزش و پرورش به عنوان یکی از نهادهایی که در اجتماعی شدن افراد نقش و اهمیت بسیار زیادی دارد، نیازمند برخورداری از اهداف و روش‌هایی مشخص است که عدم توجه کافی به این اهداف و روش‌های موثر می‌تواند زمینه‌های ناکار آمدی نظام آموزش را به همراه آورد. برنامه‌ریزی درسی یک عامل راهبردی است برای رسیدن به اهداف آموزشی و هدف: نتیجه‌ی مطلوبی است که رفتار در جهت آن هدایت می‌شود. هدف‌ها ارکان برنامه‌اند و مبنا و اساس کار را تشکیل می‌دهند. اگر قرار است برنامه آموزشی طرح‌ریزی شود و اگر باید کوشش‌هایی برای اصلاح و بهبود مستمر انجام گیرد مشخص بودن هدف‌های آموزش و پرورش بسیار ضرورت دارد این آرمان‌ها و هدف‌های آموزش و پرورش معیارهایی هستند برای انتخاب دروس، محتوای آنها، تنظیم روش‌های آموزش و تهیه آزمون و وسایل ارزشیابی.

درحقیقت، کلیه قسمت‌های مختلف برنامه درسی وسایل رسیدن به مقاصد آموزش و پرورش هستند. از این‌رو برای مطالعه برنامه‌های درسی به‌طور منظم و آگاهانه، ابتدا باید اطمینان حاصل شود که هدف‌های آموزش و پرورش تعیین و مشخص شده‌اند. (تایلر، ۱۳۷۶)

اصول برنامه ریزی آموزشی:

برنامه ریزی آموزشی یکی از مهم ترین نظام‌های برنامه ریزی درهرکشور است. برداشتی است منطقی و عملی برای حل مسایل آموزشی. در سال‌های اخیر برنامه ریزی استراتژیک (راهبردی) در نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف به عنوان ره یافتی موفق شناخته شده است. نقش برنامه ریزی آموزشی در توسعه-، سطوح و الگوهای گوناگون آن از مهمترین مواردی است که باید طراحان و برنامه ریزان آموزشی مورد توجه قرار دهند. ضرورت برنامه ریزی برای هر سازمان و موسسه به اندازه ای روشن است که نیاز به تبیین و توجیه ندارد و برنامه ریزی برای سازمان به اندازه تنفس برای یک موجود زنده اهمیت دارد. برنامه ریزی بدون رعایت اصول برنامه ریزی معنایی ندارد چرا که این اصول راهنمای عمل بوده و در جریان تهیه و اجرای برنامه های آموزشی تاثیر زیادی دارد در زیر به از میان اصول متعدد برنامه‌ریزی به شرح مختصری از چند اصل مهم و اساسی بسنده می‌شود:

۱- اصل جامعیت: با تغییر در هر مرحله از فرآیند برنامه‌ریزی تاثیر آن بر روی سایر مراحل بوده و از این رو وجود ارتباطات درون سازمانی ایجاد می‌کند که برنامه ریزان آموزشی از اجزای مختلف درون سازمانی تصویر روشنی در ذهن خویش داشته باشند تا بتواند آثار احتمالی و ناخواسته تصمیمات را در جاهای مختلف پیش بینی نموده و پیشگیری و برخورداری متعارف داشته باشند.

۲- اصل مشارکت: مشارکت در برنامه ریزی به معنای برنامه ریزی انحصاری و تصمیم گیری توسط معدودی از مدیران که در راس هرم دارند نیست، بلکه فرآیندی است که مشارکت همگان را می طلبد و همه کسانی که به نوعی در مرض نتایج برنامه آموزشی قرار می گیرند باید تا حدودی در این میان نقش

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

داشته باشند انجام نیاز سنجی‌های فردی، موضعی و سازمانی نیز در راستای این اصل می باشد. البته این نقش‌ها با توجه به افراد به صورت های مختلف جلوه می‌کند.

۳- اصل تعهد: برنامه ای که از روی تعهد و احساس مسئولیت تهیه شود به دست اشخاص متعهد به اجراء در می آید و احتمال موفقیت آن بیش از برنامه ای که توسط غیر متعهدها تدوین شده است. لزوم سپردن امور مهم به دست افراد متعهد و کارآمد از جمله مسائلی است که مورد توجه پیشوایان دینی ما بوده است و آن را به صراحت بیان کرده اند که نمونه آن در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر به وضوح دیده می‌شود.

٤- اصل واقع بینی: از جمله اصول و موازینی که برنامه ریزان آموزشی باید به آن توجه داشته باشند اصل توجه به واقعیتهاست برنامه ریزان باید اطلاعات دقیقی درباره واقعیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره در جامعه داشته باشد و برمبنای همان اطلاعات فعالیت خود را آغاز کنند. یک برنامه‌ریز تا زمانی که سیر حرکت خود را به خوبی نشناسد موفق نخواهد شد بدون شک هر اندازه برنامه‌ریزان نسبت به واقعیت‌ها آگاهی بیشتری کسب کنند و در خصوص تاثیر پذیری برنامه‌ها از واقعیات شناخت بیشتری و دقیق تری داشته باشند و واقع بینی در برنامه ریزی‌ها لحاظ شود می‌توانند به موفقیت برنامه هایشان امید وار باشند.

۵- اصل استمرار در ارزشیابی برنامه‌های آموزشی: برنامه ریزی فرآیند مستمر و پایان ناپذیری است که با انجام پژوهش و کار بست یافته‌های پژوهشی می‌توان این فرآیند را تداوم بخشید و با انجام ارزشیابی از همان مراحل اولیه برنامه ریزی و تا ارزشیابی از محصول می توان برمبنای اطلاعات و داده های جدید به آغاز تصمیم و انجام اصلاحات لازم در طول برنامه ریزی انجام گردید.

٦- اصل توجه به نوآوری‌ها: تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و علمی نه تنها برنامه‌های آموزسی را با چالش‌های جدیدی مواجه می‌کند بلکه در مخاطبان و فراگیران نیز انتظارات جدید و خواسته‌های نوعی را به وجود خواهد آورد. که در این امر ضرورت ایجاد تغییر و تحول در برنامه‌ها را تقویت می‌کند در این موقع است که برنامه ریزان باید با بهره گیری از نوآوری ها به جواب گویی از انتظارات مخاطبان پرداخته و برنامه‌های خود را با تحولات و تغییرات همگام و هماهنگ کنند یعنی آنها با پرداختن به نوآوری به فعالیت‌های خود پویایی بخشند. استفاده از نوآوری‌ها به عنوان یک اصل باید به بهبود کیفیت، جایگزینی روش‌های کهنه، روش‌های نوین، سهولت دسترسی به اطلاعات تازه و تسریع در کارها و در نهایت برآورده شدن انتظارات جدید مخاطبان برنامه های آموزشی بیانجامد. و سایر اصل‌هایی که در فرآیند برنامه ریزی باید به آن توجه داشت از جمله آنها:اصل ضرورت تجدید نظر مستمر در سیاست گزاری‌ها، رهنمودها، مطالعات آیند نگرانه، گفتگو، انعطاف پذیری در برنامه‌های آموزشی، توجه به کیفیت، پژوهش و مدیریت اطلاعات می باشد که در اینجا مجال توضیح در خصوص این اصول نمی‌باشد (محسن پور، ۱۳۷۹: ۷۸).

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

فرآیند برنامه ریزی آموزشی:

در فرآیند برنامه ریزی قبل از هر اقدامی باید هدفهای آموزشی برای توسعه آموزش از نظر کمی و کیفی، در طول زمان مورد نظر بعنوان نخستین مرحله تدوین شود یعنی اهدافی که در جریان اجرای یک برنامه آموزشی می‌خواهیم بدان دست یابیم مشخص گردد سپس منابع مورد نیاز برای تحقق بخشیدن به هدفهای آموزشی تعین شود و این مرحله شامل پیش بینی منابع آموزشی، امکانات آموزشی، اقتصادی و مالی مورد نیاز یرای اجرای یک برنامه است که بدون در نظر گرفتن آن تحقق اهداف آموزشی میسر و ممکن نخواهد بود. تعیین منابع مورد نیاز در برنامه آموزشی نیزهمانند اهداف از دو جنبه کمی و کیفی برخوردار است. تعیین منابع در واقع آزمون تلخی است که برای سنجش میزان واقع بینانه بودن مرحله نخست تدوین اهداف برنامه های آموزشی. اگر تعداد نیروهای انسانی مورد نیاز، امکانات آموزشی و میزان بودجه مورد نیاز تخصیص و تامین نگردد تمام معادلات و محاسبات را مختل خواهد کرد برای رسیدن به برنامه ریزی معقول در فرآیند برنامه ریزی که در مرحله بعدی قرار دارد تعیین اولویت و نیازهای لازم برای اجرا یک برنامه می باشد تا براساس آن سیاستگذاری و طراحی صورت گیرد و راهبردهای اجرایی پیشنهاد گردد بعد از این مرحله، مرحله حساس اجرایی و پیاده کردن اهداف سیاستها خواهد بود. در فرآیند برنامه ریزی آموزشی موفق میزان درهم تنیدگی مراحل و سایر عوامل سازمانی ارتباط مستقیمی دارد و جز لاینفک توسعه و پیشرفت سازمانی است. بعد از اجرا در مرحه آخر برنامه‌های آموزشی و شاید مهمترین این مراحل ارزشیابی و ارزیابی مراحل و جمع بندی و گرد آوری آمار و اطلاعات برای بهبودی وضعیت موجود می‌باشد البته نباید تلقی کرد که که ارز شیابی بعنوان آخرین مرحله ارزش کمتری دارد بلکه باید این امر در پایان تمام مراحل و بصورت موردی صورت گرفته تا کم و کاست برنامه ریزی مشخص گردیده و نقاط قوت و ضعف آن مشخص گردد و در این خصوص سیا ستهای لازم اتخاذ گردد در اینجاست که زنجیره برنامه ریزی آموزشی به ارزشیابی آموزشی منتهی می شود. در واقع فرآیند برنامه ریزی محصول برقراری تعامل و ارتباط بین وضع مطلوب آموزشی و وضع موجود در نظام آموزشی بوده که برنامه ریزان آموزشی باید درفرآیند برنامه ریزی این تعامل و تعادل را در تمام مراحل برقرار نمایند (کریم زاده، ۱۳۸۷: ۱۵).

نقش اهداف در برنامه ریزی آموزشی:

گام اول برنامه‌ریزی، هدف‌گذاری است. هدف‌ها سه نقش دارند که عبارتند از: ۱- معرف سازمان بوده موجودیت آن را توجیه می‌کنند. ۲- فعالیت‌ها را هماهنگ می‌کنند ۳- به تهیه و تدارک ملاک‌های اولیه ارزشیابی و کنترل عملکرد فردی و سازمان کمک می‌کنند. هدف‌ها را نباید رهنمودهای ایستا و غیرقابل انعطاف قلمداد کرد. هدف‌ها پویا و تغییرپذیرند تغییر هدف‌ها درنتیجه کار و تجربه و تحت تأثیر عوامل و نیروهای داخلی و خارجی صورت می‌گیرد.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

درباب هدف‌ها توجه به ملاک‌هایی حائز اهمیت می‌باشد، منجمله: ۱- هدف‌ها باید برحسب کمیت و کیفیت، زمان و هزینه سنجش‌پذیر باشد ۲- هدف‌ها باید درمدت زمان معینی دست‌یافتنی باشد ۳- هدف‌ها باید به‌وسیله‌ی کارکنان سازمان پذیرفتنی باشد ۴- هدف‌ها باید خواندنی و توافق داشته باشند ۵- در هدف‌ها باید هزینه فرصت یا عدم‌النفع لحاظ شده باشد.

آنچه مسلم است این است که همیشه امکان وصول به اهداف وجود ندارند. به همین اساس است که اتزیونی معتقد است اکثر سازمان‌ها در اکثر موارد به‌طور کامل به هدف‌های خود نائل نمی‌شوند و اثربخشی اندکی را از جمله ویژگی‌های کلی سازمان‌ها قلمداد می‌کند.

تعیین هدف‌های برنامه درسی:

مشخص بودن هدف‌های آموزش و پرورش بسیار اهمیت دراد. ضرورت تدوین هدف‌ها وقتی بارزتر می‌شود که حاصل فرایند هدف‌گذاری را تحلیل کنیم. وقتی هدف‌ها به هدف‌های رفتاری تبدیل می‌شوند از جمله مهمترین ملاک‌های انتخاب محتوا به‌شمار می‌رود. اصولاً هدف‌ها را ملاک‌های انتخاب محتوا و تنظیم روش‌های آموزش و تدارک وسایل اندازه‌گیری می‌دانند. هدف‌ها مقاصدی هستند که کلیه قسمت‌های برنامه درسی در جهت آن درحال حرکت است. (کاظمی، ۱۳۸۷: ۴۴).

معرفی الگوی تایلر در تدوین هدف:

یکی از متداول‌ترین روش‌های تدوین هدف که به‌گونه‌ای منظم و سیستمی گام‌ها و عناصر فرایند تدوین هدف را مشخص می‌کند طرح هفت مرحله‌ای تایلر می‌باشد. در این طرح سه منبع اطلاعاتی وجود دارد که به ترتیب عبارتند از: دانش‌آموز، جامعه و نظریه متخصصان موضوع درسی.

براساس تحلیل این سه منبع اطلاعاتی، هدف‌های کلی یا غایت‌های پرورشی موقت به‌دست می‌آید.

برای ایجاد هماهنگی بیشتر هماهنگی بیشتر بین غایت‌ها و حذف تناقض‌ها اهداف کلی از دو ملاک یا فیلتر فلسفه آموزش و پرورش و روان‌شناسی پرورشی می‌گذرد. حاصل این فرایند هدف‌های کلی یا غایت‌های پرورشی پذیرفته شده می‌باشد

حال به تحلیل تک‌تک عناصر فوق می‌پردازیم:

۱- نیاز دانش‌آموزان (اولین منبع اطلاعاتی):

ضرورت دانش‌آموز محور بودن فرایند لیم و تربیت امروزه مورد پذیرش بسیاری از صاحبنظران تعلیم و تربیت می‌باشد. دانش‌آموز نخستین منبعی است که باید بررسی جامعی از وضع روانی و جسمانی عاطفی و. به عمل آید، تا نیازهای همه‌جانبه‌ی او مشخص شود. مطالعه احتیاجات کودک از یک طرف موجب شناخت نیازهای او می‌شود و از طرف دیگر سبب مشخص شدن نقش مدرسه در تأمین نیازهای فراگیران

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

می‌گردد، ضمن اینکه مشارکت آنها را نیز درپی خواهد داشت. اگر برنامه‌ها و سایر فعالیت‌های مدرسه باتوجه به رغبت‌های دانش‌آموزان تنظیم شود، دانش‌آموزان به‌طور مثال در فرایند یادگیری شرکت جسته و درنتیجه نه تنها بهتر و آسانتر یاد می‌گیرد بلکه می‌آموزند که چگونه خود را با شرایط مدرسه وفق دهند. منظور از مطالعه یادگیرندگان تعیین تغییرات لازم در الگوی نوع رفتارهای یادگیرندگان می‌باشد. کوشش مدرسه باید به‌ویژه به کمبودهای کنونی دانش‌آموزان که رشد و بالندگی او را مسدود کرده است متمرکز شود. براین اساس ضرورت شناخت نیازهای تربیتی یادگیرنده که اساس تعیین هدف‌های آموزش و پرورش می‌باشد بسیار حائز اهمیت است.

نیاز: اختلاف بین وضع موجود و وضع مطلوب است.

مازلو در بحث نیازها طبقه‌بندی بسیار مدون و معروفی دارد که عبارتند از:

نیازهای جسمانی: شامل نیاز به آب، غذا، خواب، حرارت مناسب و. . .

نیاز به امنیت و ایمنی: شامل نیاز به داشتن محیطی امن و دور از تهدید، بیمه و. . .

نیاز به بخشش و تعلق: نیاز به ایجاد روابط متقابل با دیگران و دوست داشتن و. . .

نیاز به عزت‌نفس یا احترام به خود: نیاز به احساس توفیق، احساس شایستگی

نیاز به خودشکوفایی- تحقق ذات: رسیدن به آنچه که فرد در آن حداکثر توان به استعداد را داراست.

۲- نیازهای جامعه (دومین منبع اطلاعاتی):

درنظر گرفتن نیازهای جامعه در تدوین هدف‌ها و برنامه‌های پرورشی سبب می‌شود که برنامه درسی با تغییرات اجتماعی هماهنگ شود و مطالب و هدف‌هایی که با شرایط زندگی اجتماعی پرورش یابندگان منطبق باشد در برنامه گنجانده شود.

مدرسه نه تنها باید نسلی تربیت کند که هم به مسائلی زندگی خودآگاهی داشته و هم دارای مهارت‌های لازم برای مقابله با آنها باشد، همچنین باید نسلی آینده‌دار بار آورد که با پیش‌بینی مشکلات احتمالی زندگی آینده، خود را برای زیستن در جهان متغیر تجهیز کند. توجه داشته باشید که اگر بین شرایط زندگی و شرایط یادگیری شباهت‌هایی وجود دارد اما دانش‌آموزان زمانی می‌توانند شرایط زندگی و یادگیری ارتباط برقرار کنند که:۱- شرایط یادگیری و زندگی در بیشتر موارد یکسان باشد، ۲- دانش‌آموزان به کاربرد آنچه در مدرسه یاد گرفته‌اند در زندگی خارج از مدرسه عملاً آشنا شده و ممارست کنند. هماهنگ کردن زندگی با شرایط یادگیری مستلزم شناخت جامعه است و از طرف دیگر دانش‌آموز آن دسته از یادگیری‌های خود را می‌تواند در جامعه تمرین کند که برخاسته شده از نیازهای جامعه باشد.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

۳- نظر متخصصان موضوع درسی(سومین منبع اطلاعاتی):

وقتی که اطلاعات و نیازهای یادگیرندگان و جامعه به دست آمد نیاز به افراد معتبر و با صلاحیتی است که بتوانند هدف‌های مهم پرورشی را تشخیص دهند. به قول تایلر: متخصصان درسی و افراد مطلع در رشته‌های مختلف دانش بشری که کتاب‌های مدارس و دانشگاه‌ها را می‌نویسند معمول‌ترین منبع تعیین هدف‌های آموزش و پرورش محسوب می‌شوند. زیرا کتاب‌های درسی وقتی مواد درسی که برای تدریس آمده تنظیم می‌شوند منعکس‌کننده‌ی نظریات و تصورات آنها از همین هدف‌ها می‌باشد. بیشتر مردم استفاده از نظر متخصصان موضوع درسی را به‌عنوان منبعی برای تعیین هدف‌های آموزش و پرورش نمی‌پذیرند چرا که معتقدند این هدف‌ها خیلی فنی و تخصصی‌اند و برای دانش‌آموزان مناسب نیستند. اما دستاوردهای زیادی بیانگر این نکته است که متخصصان موضوع درسی و تدوین اهداف مناسب و متسلسل بسیار مؤثرند.

تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از سه منبع اطلاعاتی و چرایی کاربست دو ملاک فلسفه پرورشی و روان‌شناسی یادگیری در تدوین اهداف:

براساس تحلیل سه منبع یادگیرندگان، جامعه و نظر متخصصان موضوع درسی تعداد زیادی اهداف آموزشی بدست می‌آید. این اهداف که کلی‌اند و موقتی، به‌دلیل ناهمگون بودن و وجود برخی از تناقض‌ها نیاز به دوصافی فلسفه آموزش و پرورش و روان‌شناسی یادگیری است.

نخستین صافی مورد استفاده فلسفه است چه‌بسا اتفاق می‌افتد که اهداف مبتنی بر تحلیل نیازهای یادگیرندگان و جامعه و متخصصان موضوعات درسی یا فلسفه آموزش و پرورش و فلسفه اجتماعی مغایرت داشته باشد که در این صورت باید کنار گذاشته شود. فلسفه آموزش و پرورش و فلسفه اجتماعی از یک طرف ماهیت زندگی خوب و جامعه خوب را تعریف می‌کند و از طرف دیگر رئوس ارزش‌هایی را که برای زندگی مؤثر است را ترسیم می‌کند. قضاوت درباره‌ی ارزشهای جامعه به فلسفه اجتماع و فلسفه آموزش و پرورش بستگی دارد. از طریق روان‌شناسی یادگیری قادر خواهیم بود تا تغییرات رفتاری را که فراگرد یادگیری حاصل خواهد شد را تشخیص دهیم و از تغییرات رفتاری غیرممکن صرف‌نظر کنیم. بنابراین روان‌شناسی یادگیری دانشی را فراهم می‌کند که میزان توقع و انتظار تهیه‌کنندگان اهداف را با توانایی‌های فراگیران منطبق کند و شرایط مورد نیاز برای یادگیری بعضی از مطالب، تحقق انواع خاصی از اهداف از جمله دیگر کارکردهای روان‌شناسی یادگیری در غربال اهداف ناهمگن و متناقض می‌باشد. پس از تهیه هدف‌های کلی و موقتی از منابع اطلاعاتی اولیه و گذران آنها از غربال فلسفه آموزش و پرورش و روان‌شناسی یادگیری هدف‌های کلی یا غایتهای پرورشی پذیرفته شده به‌دست می‌آید. این اهداف در تحلیلی به اهداف جزئی و رفتاری تبدیل می‌شوند. هدف‌های عینی و رفتاری یکی از مهمترین منابع انتخاب و سازماندهی محتوا به‌شمار می‌روند. (تایلر، ترجمه علی تقی‌پور ظهیر، ۱۳۷۶).

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

عوامل موفقیت در برنامه‌ریزی تحصیلی:

گرچه برنامه‌ریزی در حوزه‌ها و عرصه‌های گوناگون، از جمله برنامه‌ریزی ورزشی، خودسازی و تهذیب، درسی، تحقیقی، امور زندگی، مسایل اجتماعی، و. . . . مطرح است ولی به دلیل اهمیت و جایگاه ویژه تحصیل و مطالعه و نقش کلیدی آن در سایر عرصه‌ها، در این مقاله به برنامه‌ریزی تحصیلی عنایت وتوجه بیشتری شده و بیشتر به مباحث برنامه‌ریزی تحصیلی پرداخته شده است. عناصر اصلی و مراحل یک برنامه‌ریزی تحصیلی خوب و منطقی عبارتند از:

الف. تعیین هدف

برنامه‌ریزی صحیح و کارامد تحصیلی، هنگامی امکان‌پذیر است که هدف به خوبی تعیین و تعریف شده باشد. هر جلسه و دانش پژوهی می‌بایست تصویر دقیق و روشنی از آن داشته باشد تا کارها و تلاش‌های خود را در راستای نیل به آن اهداف قرار دهد. هر فرد باید به این گونه سئوالات پاسخ دهد که چرا به تحصیل ادامه می‌دهد؟ چرا مطالعه می‌کند؟ چرا به دنبال تحصیلات عالی است؟ مسیر و غایت حرکت او کجاست؟ همچنین فرد باید اهداف خود را به بلندمدت، متوسط و کوتاه مدت تقسیم کرده، آنها را در راستا و طول یکدیگر قرار دهد. برخوداری از هدف، موجب تحریک و انگیزه بیشتر در افراد می‌شود و آنان را در پیمودن مسیرهای صعب العبور یاری، اعتماد به نفس آنان را بالا برده و انرژی روانی آنان را افزایش می‌دهد، به ویژه اگر فرد هدفی مقدس و الهی داشته باشد، می تواند با یاری جستن از قدرت الهی و با تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر به راه خود ادامه دهد و شهد شیرین پیروزی را برای خود و خانواده به ارمغان آورد.

هر هدف ارزشمند و مهم باید دارای سه جز اصلی مالکیت، واقع‌بینی، و انعطاف‌پذیری باشد که به اجمال به شرح آنها می پردازیم.

۱. مالکیت: نخستین مشخصه هر هدف مهم این است که، از صمیم قلب بخواهیم و تمایل داشته باشیم که به آن برسیم. اگر دوستی به شما بگوید: «این کاری است که فکر می‌کنم اگر انجامش دهی مفید و مثمر ثمر خواهد بود بود»، نمی‌توان آن را هدف شخصی در نظر گرفت، بلکه این کار برای خشنود کردن دیگری است! اما اگر خودتان از جان و دل بخواهید کاری را انجام دهید، آن گاه می‌توان آن را هدف فردی و شخصی تلقی کرد. و مطئنا به آن هدف خواهید رسید. به عبارت دیگر، باید مالک هدف خودتان باشید و شخصا آن را برگزیده باشید و برای آن ارزش قائل شوید.

۲. واقع بینی: وقتی هدفی را برای خود تعیین می‌کنید، نه تنها آنچه را می‌خواهید، بلکه آنچه را که واقعا می‌توانید بدان نایل شوید در نظر بگیرید. باید توجه کنید هدف نهایی تا چه حد دست‌یافتنی و تحقق‌پذیر می‌باشد، یعنی بهتر است از خود بپرسید: «آیا توانایی ذهنی و جسمی و نیز استعداد کافی برای دست‌یابی به هدف خود را دارم؟ آیا منابع کافی مانند: زمان و سایر امکانات را در اختیار دارم؟ آیا عوامل دیگری هم

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

هستند که مانع رسیدن من به هدف مورد نظرم شوند؟ اگر این‌گونه است، برای غلبه بر این موانع، چه کاری می توان انجام داد؟ (هلیر، ۱۳۷۸: ۲).

البته، باید توجه داشت که واقع‌بینی به این معنا نیست که در مقابل مشکلات خود، تسلیم شد و هدف‌نهایی را رها کرد.

۳. انعطاف‌پذیری: سومین موردی که برای تعیین یک هدف اهمیت دارد، انعطاف‌پذیری است؛ یعنی باید بتوان هدف مورد نظر را دائما ارزیابی، اصلاح و یا تعدیل کرد. از آنجا که، اوضاع و شرایط مرتبا درحال تغییر است و موانع پیش‌بینی نشده‌ای برسر راه ظاهر می‌شوند، برای نایل شدن به هدف بایستی به طور واقع‌گرایانه، آمادگی مواجهه با تغییرات و موانع را داشت و هرگونه تغییری را که در راه رسیدن به هدف ضروری است، پذیرفت.

ب. رعایت اولویت‌ها

در میان موضوعات درسی و واحدها آموزشی، که برای طلاب و دانش پژوهان مطرح است، بعضی از آنها از اولویت درجه یک و برخی در اولویت درجه دو قرار دارند. از این رو، دربرنامه‌ریزی باید به اولویت‌ها توجه نمود تا در موقع تزاحم یا تداخل با برنامه‌ای پرداخت که ارزش و اولویت بیشتر دارد و نیازمند انرژی و نشاط بیشتری است. اگر برنامه ریزی براساس اولویت صورت نگیرد، چه بسا کارهای اساسی و ضروری عقب بیفتد و کارهای جنبی جلو بیفتد. برای مثال، ممکن است دانش‌جویی در طول سال تحصیلی، برای خود برنامه‌های زیر را در نظر بگیرد: گذراندن دروس دانشگاه، شرکت وحضور درکلاس، مطالعات جنبی درباره موضوعات سیاسی و فرهنگی، همکاری با دانشگاه و شرکت در مراسمات دینی و مذهبی و. . . . طبیعی است اگر فرد اولویت‌بندی نکند، ممکن است زمان بهینه و مطلوب خود را صرف کارهای جنبی و درجه سوم نماید. حضرت امیرالمؤمنان علی(ع)، درباره اهمیت اولویت‌بندی در کارها می فرمایند: «کسی که به غیرمهم مشغول شود، مهم‌تر را از دست می دهد» (التمیمی الامدی، ۱۴۰۷ه. ق).

ج. نظم

نظم و انضباط در تحصیل و مطالعه نیز از سایر عرصه ها استثناء نبوده و حتی نظم در مطالعه و تحصیل دارای اهمیتی مضاعف است. دانشجو و دانش پژو باید با برنامه ریزی درست، ساعات مطالعه و میزان آن را بطور منظم، محاسبه نموده و ساعات لازم را در هر شرایطی به آن اختصاص داده و به دلایل کم اهمیت، درس و مطالعه را تعطیل نکند. همچنین حضور منظم در کلاس وجلسات داشته باشد. حضرت آیت الله مصباح یزدی درباره نظم و برنامه ریزی علامه طباطبایی درباره تحصیل می فرمایند: «ایشان بسیار منظم بودند. غالبا قبل از شاگردان در کلاس حاضر می‌شدند و دقیقه ای تخلف نمی‌کردند و تا دقیقه آخر هم درس می‌دادند

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

و این برنامه دایمی بود. در برف، سرما، در طول ده و دوازده سال یادم نمی‌آید که ایشان یک دفعه هم درس را تعطیل کنند. نظم و پشتکار زیادی داشتند. (مرزبان و مرد خرد، ۱۳۸۱:۷۱۱).

د. یادداشت کردن برنامه درسی

برنامه ریزی درسی زمانی درست اجرا می‌شود که عناصر آن را به یاد داشته باشیم و بدانیم در هر روز و در هر ساعت چه کارهایی می‌بایستی انجام دهیم. بدین منظور، می‌توان دفترچه یادداشتی همراه خود داشت و عناصر برنامه‌های خود را در آن یادداشت نمود. مثلا سه ساعت مخصوص مطالعه درس ریاضی، یک ساعت مطالعه درس علوم، یک ساعت استراحت بین روز و غیره. در هر شب سعی کنیم برنامه های خود را چک کرده و میزان موفقیت در انجام آنها را بررسی نمود. نقش برنامه ها را برطرف نمود.

ه. شناخت هدر دهنده های وقت

گاهی اوقات برنامه ریزی صورت می‌گیرد، تصمیم جدی نیز بر اجرا و عملی شدن آن وجود دارد، اما کارها به شکلی که برنامه‌ریزی شده پیش نمی‌رود؛ یعنی در آن وقفه ایجاد شده، بعضی فرصت ها هدر می‌رود. در اینجا بخشی از مشکل مربوط به خود فرد و بخشی دیگر مربوط به اطرافیان است. رایج ترین هدر دهنده های وقت، عبارت است از: مهمان های ناخوانده، سروصدای همسایه، هم حجره‌ای ها، تلفن ها، رادیو، تلویزیون، و جر و بحث های بی ثمر. برای کنترل و حذف آنها می توان توصیه‌های زیر را به خاطر داشت:

۱. محل مناسب و خاصی را برای مطالعه انتخاب کرد؛

۲. تلفن همراه را خاموش نمود؛

۳. نه گفتن را باید آموخت. باید با شجاعت و کمال ادب به دوستان بگوییم: «کار دارم»؛

۴. برنامه اوقات فراغت را تنظیم کرد؛

۵. در هنگام مطالعه تلویزیون و رایانه و ضبط صوت را خاموش نمود.

ح. تمرکز حواس

از جمله عواملی که در افزایش بهره‌وری در مطالعه و درک بهتر درس‌ها و موفقیت در تحصیل بسیار مؤثر است، داشتن تمرکز حواس به هنگام مطالعه است؛ یعنی فرد در خود این توانایی را ایجاد کند که با اختیار و توجه، دقت خود را بر روی موضوع یا کاری که انتخاب کرده، با میل واراده متمرکز نماید و از توجه به سایر موضوعات و کارها جلوگیری کند. برای ایجاد تمرکز حواس باید عواملی را که مانع از تمرکز می‌شود شناخت و در جهت رفع آنها اقدام کرد. (خادمی، ۱۳۷۹:۷۱).

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

ط. علاقه و انگیزه

بسیارند کسانی که از لحاظ توانایی و استعداد یادگیری بسیار شبیه به هم هستند، ولی در پیشرفت تحصیل تفاوت های زیادی با یکدیگر دارند. این تفاوت، نه تنها در تحصیل بلکه در سایر فعالیت‌های درسی نیز به چشم می‌خورد. شاید از خود سئوال کرده باشید، چرا چنین تفاوتی وجود دارد وچه چیزی توجیه کننده این مطلب علاقه و انگیزه است.

«بلوم» درمدل یادگیری تحصیلی خود شواهدی به دست آورد ه است که علاقه و انگیزه افراد، هم نقش علت را بازی می‌کند و هم معلول. به عبارت دیگر، یادگیرندگان علاقه‌مند به یک موضوع، نسبت به یادگیرندگان کم علاقه، موفقیت بیشتری دارند. این موفقیت بیشتر، سطح علاقه و انگیزه آنان را نسبت به آن موضوع و موضوع های مشابه افزایش می‌دهد. (سیف، ۱۳۷۷:۳۵۴).

نتیجه:

برنامه‌ریزی درسی، یکی از عناصر کلیدی هر نظام آموزشی محسوب می‌شوند به طوریکه توانمندی معلمان در امر تدریس ارتباط نزدیکی با میزان دانش و مهارت آنان از فرایند برنامه ریزی درسی دارد. برنامه ریزی درسی، تنظیم طرح دوره و درس برای آموزش، موجب پیشگیری از اتلاف وقت و به هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و مادی می‌شود. در مجموع آموزش‌های مبتنی بر برنامه‌ریزی و طراحی برنامه ی درسی، اقدامات اموزشی را با تفکر، تصمیم گیری، آینده نگری و حل مشکل، مبتنی بر اصول و روش های علمی، همراه می‌سازد، کلیه ی فعالیت ها را در مسیر اهداف از پیش تعیین شده سوق می دهد و نهایتاً انجام صحیح آن موجب افزایش کارایی و اثربخشی آموزش خواهد شد. از اینرو فرایند آموزش، هنگامی موفق خواهد بود که هدف یا اهداف آموزشی مشخص و مطلوبی را دنبال کند و مبتنی بر اصول، فنون و مهارت‌های برنامه ریزی درسی باشد. بنابراین هدف تمامی نظامهای آموزشی برپاکردن مدارس خوب و ثمربخش است. ثمربخشی مدارس مستلزم تلاش و کار جمعی و هماهنگی کلیه متغیرها و پارامترهای نظام مدرسه است. چنانچه برنامه ریزی آموزشی را کاربرد روشهای تحلیل در نظام آموزشی به منظور شناخت اجزای نظام و استقرار نظام آموزشی کارآمد بدانیم، مدرسه نیز باید برای بهبود اجزا و پارامترهای خود برنامه ریزی کند. روشهایی که تا امروز در مدیریت آموزشی در کلیه سطوح به کار گرفته شده است، به دلیل تحقق نیافتن بخش عمده ای از هدفهای نظام آموزشی ناکارآمد بوده است؛ بنابراین باید با مهندسی مجدد مدارس به عنوان مکان رسمی تعلیم و تربیت تلاش کنیم. با بهره گیری از روش‌های جدید مدیریت توسعه، کیفیت کلی ارائه خدمات آموزشی و پرورشی مدرسه را ارتقاء بخشیم.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

۱- التمیمی الامدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ه. ق.

۲- اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی/ رالف. و. تایلر: ترجمه علی تقی‌پور ظهیر. (تهران) چاپ اول، آگاه ۱۳۷۶.

۳- خادمی، عین الله، مطالعه و روشمند، انتشارات پارسایان، قم، ۱۳۷۹.

۴- سیف، علی اکبر، روان شناسی پرورشی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۷.

۵- مبانی برنامه ریزی آموزشی، دکتر بهرام محسن پور، انتشار سمت، تهران. ۱۳۷۹

۶- مقدمات برنامه ریزی درسی – آموزشی، دکتر صمدکریم زاده، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تبریز. ۱۳۸۷

۷- مرزبان و مرد خرد، (یادنامه علامه سید محمد حسین طباطبایی)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.

۸- مدیریت آموزشی/ پدیدآورندگان: محمدکاظمی، مقداد کرمی، ۱۳۸۷، با راهنمایی نادرقلی قورچیان. (تهران): سنجش، ۱۳۸۷.

۹- هلیر رجینا و همکاران، مهارت های یادگیری، ترجمه فاطمه فاضلی، انتشارات بصیرت، تهران، ۱۳۷۸.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-19]